

حاج «حسن شایانفر» مدیر دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان و مشاور فرهنگی مدیر مسئول کیهان، آبان ماه ۹۵ در آستانه از رحیم حسینی (ع) جان به جان آفرین تسلیم کرد.
مطالعات بی‌گیر و مستند او در تاریخ انقلاب و استفاده از ظرفیت‌های جوانان انقلابی برای به ثمر نشستن آنها، «باورقی» های خواندنی کیهان را به صفحات تاریخ انقلاب اضافه کرد. تیزهوشی و درایت حاج حسن شایانفر در شناخت حلقه‌های پنهان جریان‌های انحرافی سیاسی و فرهنگی سبب شد تا سلسله کتب «نیمه پنهان» شکل گیرد و اکنون به‌عنوان یکی از مراجع و منابع مطالعاتی دانشجویان و پژوهشگران به‌شمار آید. او مصداق مردانی بود که خدای مهربان آنان را با صفت «إِلا لا تُلهِيهِمْ تِجَارَهُ و لا يُبِعِ عَن ذَاكَ اللهُ» ستوده است.

مر حوم شایانفر در حوزه جنگ نرم همیشه در سایه بود و با وجود نفوذ و اعتبار بسیار زیادش در میان مسئولان کنشوری و لشکری، هیچ‌گاه کمترین استفاده شخصی از این موقعیت خود نکرد و همیشه تلاش داشت تا در کنار تربیت نیروهای کارآزموده و دلسوز، مانع پیشروی دشمن در جبهه جنگ نرم شود.

حاج حسن شایانفر زندگی خود را وقف روشنگری و بیداری ملت نمود و دغدغه اول و آخر او پیشرفت انقلاب اسلامی و دور ماندن دست نامحرمان از این ودیعه الهی بود.

در سالگرد در گذشت حاج حسن شایانفر یاد کتر «محمد تقی امینی» گفت‌وگویی انجام دادیم که در ادامه با هم می‌خوانیم:

اگر موافقت، برای شروع از سابقه آشنایی خودتان با مرحوم حاج حسن شایانفر بگویید؟

توفیق آشنایی بنده با مرحوم حاج حسن شایانفر سابقه‌ای ۴۰ ساله دارد. ارتباط من با حاج حسن خیلی نزدیک بود. ما با یکدیگر باجناق بودیم اما واقعیت این است که ارتباط ما در حد برادری بود.

با توجه به این میزان صمیمیت و رابطه نزدیک

با مرحوم شایانفر، می‌توانید به چند ویژگی بارز در شخصیت ایشان اشاره کنید؟

مرحوم شایانفر منحرفین مقابل نظام را نجات می‌داد و برای آنها کار پیدا می‌کرد

در مجموع می‌توان به ۷ ویژگی بارز در سبک زندگی مرحوم حاج حسن شایانفر اشاره کرد. اولین و مهم‌ترین ویژگی شخصیتی حاج حسن، «خلاص» وی بود.دومین ویژگی او «تیز بینی و هوشیاری»، سومین ویژگی «ولایت پذیری»، چهارمین ویژگی حاج حسن «علم رجال سیاسی»، پنجمین ویژگی او «تلاش برای گمنام بودن»، ششمین ویژگی مرحوم شایانفر «استوار بودن در دفاع از انقلاب» و هفتمین ویژگی حاج حسن «قناعت و ساده زیستی» او بود.

سابقه آشنایی دارند، همانطور که شما نیزاشاره کردید، «خلاص» آن مرحوم را به عنوان یک ویژگی بارز در شخصیت ایشان معرفی کرده‌اند. می‌توانید در این خصوص بیشتر توضیح دهید؟
حاج حسن برای انجام تمامی امور، خدا را در نظر می‌گرفت. او هم در ارتباط فامیلی، هم در ارتباط با همکاران و همسایه‌ها و هم در ارتباط باشخص مختلف، نیست خیر، تواضع در برخورد و پرهیز از کبر و غرور را سرلوحه رفتار خود قرار می‌داد.

تیزبینی حاج حسن شایانفر در چه مواردی نمود داشت؟

مرحوم شایانفر هم در مسائل زندگی شخصی و هم در جریان شناسی مسائل سیاسی، هوشیار و تیز بین بود. در ابتدا لازم می‌دانم که به تیزبینی ایشان در مسائل شخصی اشاره کنم. افراد زیادی برای مشاوره در امور زندگی به حاج حسن مراجعه می‌کردند. او خیلی دقیق راهنمایی می‌کرد. به قول معروف انتهای کار را نشان می‌داد و نتایج‌ای می‌پدید که به خیر و صلاح فرد مشورت گیرنده بود. در یک کلام، او «امین» بود.

می‌توان به ۷ ویژگی بارز در

سبک زندگی مرحوم حاج حسن شایانفر اشاره کرد.

اولین و مهم‌ترین ویژگی شخصیتی حاج حسن،

«اخلاص» وی بود.دومین

ویژگی او «تیزبینی و

هوشیاری»، سومین ویژگی

«ولایت پذیری»،

چهارمین ویژگی حاج حسن

«علم رجال سیاسی»، پنجمین

ویژگی او «تلاش برای گمنام

بودن»، ششمین ویژگی مرحوم

شایانفر «استوار بودن در دفاع

از انقلاب» و هفتمین ویژگی

حاج حسن «قناعت و

ساده زیستی» او بود.

یادنامه

را کمک می‌کرد و تحلیل درست می‌داد. تمام این کارها پنهانی بود. من خیلی کم در جریان بودم. در حقیقت علاقه شدید به گمنامی و انجم کار خیر به صورت پنهانی، مکمل اخلاص در شخصیت مرحوم شایانفر بود. شما در ابتدای مصاحبه، از «استوار بودن در دفاع از انقلاب» به عنوان یک ویژگی بارز در مرحوم شایانفر نام بردید، این ویژگی چطور در ایشان ظهور و بروز داشت؟

حاج حسن در دفاع از انقلاب همانند یک سد محکم بود و با هیچکس تعارف نداشت. تحلیل دقیق و درست ارائه می‌داد و در این راه از هیچ چیز واهمه نداشت. او در این راه تهمت‌هایی می‌شنید و به تن می‌خرد اما هیچگاه در دفاع از اسلام و انقلاب کوتاه نیامد.

مرحوم شایانفر درد انقلاب داشت. هم وغمش این بود که امام شاد باشد، آقا شاد باشد.

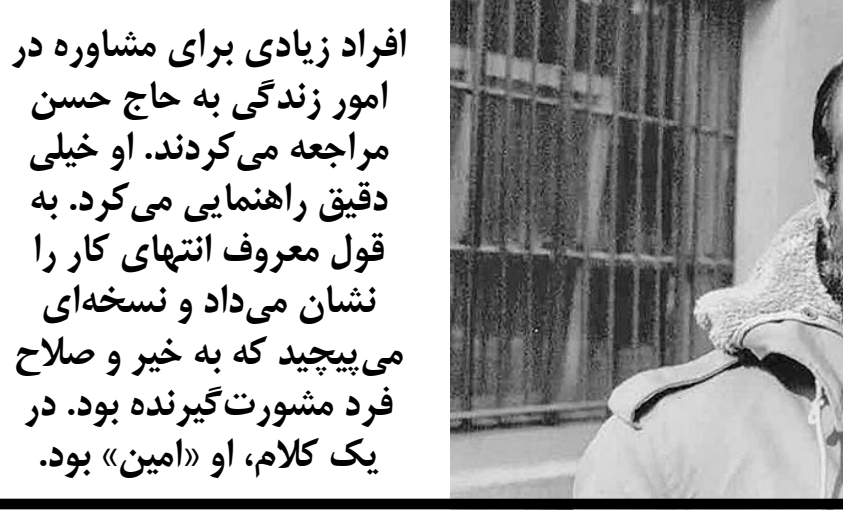
او در برهه‌های حساس همچون رحلت امام (ره)، فتنه ۷۸ و فتنه ۸۸ خوش درخشید.

خیلی از دوستان و آشنایان به «قناعت و ساده زیستی» مرحوم شایانفر اشاره داشتند، شما با توجه به رابطه نزدیکی که با ایشان داشتید، این ویژگی را چطور می‌دیدید؟

حاج حسن در زندگی خود هم از نظر ویژگی‌های شخصیتی و استعدادهای فردی و هم از نظر موقعیت کاری، خیلی زمینه‌ها داشت که پولدار شود، ولیکن اصلا

دکتر «محمد تقی امینی» در گفت‌وگوی اختصاصی با کیهان:

مرحوم شایانفر منحرفین مقابل نظام را نجات می‌داد و برای آنها کار پیدا می‌کرد



چنین کاری نکرد. او به معنای واقعی آزاد زندگی کرد. مرحوم شایانفر در رعایت مسائل شرعی و پرداخت خمس و زکات خیلی دقیق بود.یک دهم شرایطی که در اختیار او بود اگر در اختیار هر فرد دیگری بود، خیلی کارها می‌کرد.

می‌توانید خاطره‌ای از مرحوم حاج حسن شایانفر برای ما نقل کنید؟

حاج حسن از دوران نوجوانی در بازار کار می‌کرد

و به دلیل انجام کار زیاد با مشکل کم‌درد مواجه شده بود. با این وجود او در دوران دفاع مقدس این کار خیلی مایه می‌گذاشت و البته این کار را مخلصانه و پنهانی انجام می‌داد.

حاج حسن با این روش خیلی از افراد را هدایت کرد و منحرفین مقابل نظام را نجات داد. او در زمان «قول حصار» توأین جریان‌های سیاسی را وصل می‌کرد، برای آنها کار پیدا می‌کرد. با یک رابطه دوستانه و عاطفی، آنها

مجاهد غیرتمند با جاذبه‌ها و دافعه‌های نیرومند

۱- خداوند در قرآن کریم به تجارتی نجات‌بخش فراخوانده است. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! آیا شما را به تجارتی راهنمایی کنم که

شما را از عذاب دردناک نجات دهد؟ به خدا و پیامبر او ایمان بیاورید و در راه خدا با اموال و جان خود مجاهدت کنید، این برای شما خیر است اگر که بدانید.» (آیات ۱۰ و ۱۱ سوره صف)

۲- حاج‌حسن شایانفر در بازار کار می‌کرد اما پس از انقلاب بر اساس تکلیف، پای در عرصه روشنگری فرهنگی و دشمن‌شناسی گذاشت. بازار را دیده بود و حساب و کتاب - به غایت - سرش می‌شد اما هرگز بر سر سرفه انقلاب کاسی نکرذ. اهل حساب و کتاب بود و به همین دلیل حیاة طیبه را برگزید؛ همان که امیرمومنان در توصیفش فرمود: «می‌لقاعه». قرآن می‌فرماید صالحان را به زندگی پاکیزه زنده می‌داریم: «من عمل صالحاً من ذکر او انی و هو مومن فلنحییته حیاة طیبة». یعنی به مرتبه انتخاب «قناعت و رضایت به حلال اندک دنیا» می‌رسانیم. و حاج حسن شایانفر قانع بود به اختیار، هر چند که فرصت‌های فراوان داشت برای تدارک زندگی مرفه.

۳- زندان و کار فرهنگی؟! با کدام تجربه و سابقه؟ اما حاج‌حسن شایانفر، بسیاری از دستگیرشدگان را بازی خورده و قربانی سران گروهک‌های نفاق می‌داند و غمخوارشان می‌شود. برای جوان‌های افتاده در دام منافقین، کلاس درس برپا می‌کند و کتاب درسی تهیه می‌کند و معلم می‌آورد که به درس‌شان برسند. آزاد هم که می‌شوند و مورد سوءظن و بی‌اعتمادی قرار دارند، برخی از همان‌ها را ضمانت می‌کند تا به زندگی برگردند و صاحب شغل شوند. آن‌قدر مهربانی می‌کند، که یکی از سرران یازدهانی، کفری می‌شود. سراغ حاج‌حسن در زندان می‌رود و تا می‌تواند با فحش و ناسزا از خجالت حاجی درمی‌آید. حاج‌حسن لیخند می‌زند و می‌پرسد چرا این قدر آشفتگی؟ و پاسخ می‌شوند «تو با این پیگیری‌ها و دلسوزی‌هایی که انجام می‌دهی، انگیزه مبارزه را از اعضاء و وسامیت‌های ما گرفتی‌ای... اینجا بریده‌اند و می‌گویند پشیمانیم». همان سران گروهک‌های نفاق و زخم‌خورده‌های بعدی از حاج‌حسن، به همین دلیل لقب «تواب‌ساز» به او می‌دهند!

۴- برخی از جدانشدگان و توأبین، بعدها با هدایت حاج‌حسن دست به قلم می‌شوند و درباره هویت جریان‌های نفاق یا واقعیت انحطاط عصر پهلوی روشنگری می‌کنند. هزاران مقاله و بالغ بر ۶۰ جلد کتاب منتشر شده - و صدها مقاله و مصاحبه منتشر نشده- حاصل این اهتمام به جهاد تبیینی و روشنگری است... اما حاج حسن فقط در پی قرار دادن این افراد در مسیر روشنگری نیست... خیلی‌ها نمی‌دانند حاجی هر سال به نیت مرحوم [...] که یکی از همین توأبین بود، در مراسم زیارت عاشورا خیرات می‌کرد بی‌آن که نامی از خود بر جای بگذارد.

را کمک می‌کرد و تحلیل درست می‌داد. تمام این کارها پنهانی بود. من خیلی کم در جریان بودم. در حقیقت علاقه شدید به گمنامی و انجام کار خیر به صورت پنهانی، مکمل اخلاص در شخصیت مرحوم شایانفر بود. شما در ابتدای مصاحبه، از «استوار بودن در دفاع از انقلاب» به عنوان یک ویژگی بارز در مرحوم شایانفر نام بردید، این ویژگی چطور در ایشان ظهور و بروز داشت؟

حاج حسن در دفاع از انقلاب همانند یک سد محکم بود و با هیچکس تعارف نداشت. تحلیل دقیق و درست ارائه می‌داد و در این راه از هیچ چیز واهمه نداشت. او در این راه تهمت‌هایی می‌شنید و به تن می‌خرد اما هیچگاه در دفاع از اسلام و انقلاب کوتاه نیامد.

مرحوم شایانفر درد انقلاب داشت. هم وغمش این بود که امام شاد باشد، آقا شاد باشد.

او در برهه‌های حساس همچون رحلت امام (ره)، فتنه ۷۸ و فتنه ۸۸ خوش درخشید.

خیلی از دوستان و آشنایان به «قناعت و ساده زیستی» مرحوم شایانفر اشاره داشتند، شما با توجه به رابطه نزدیکی که با ایشان داشتید، این ویژگی را چطور می‌دیدید؟

حاج حسن در زندگی خود هم از نظر ویژگی‌های شخصیتی و استعدادهای فردی و هم از نظر موقعیت کاری، خیلی زمینه‌ها داشت که پولدار شود، ولیکن اصلا

قاسم تبریزی در گفت‌وگو با کیهان مطرح کرد

حاج حسن به جای حرف زدن عمل می‌کرد

۴۰ نشریه‌ای که شایانفر با زیرکی از چنگ گروهک‌ها درآورد

۲۹ آبان سال گذشته حاج حسن شایانفر مدیر مرکز پژوهش‌های کیهان پس از عمری تلاش و مجاهدت در راه افشازگی علیه جریان‌ها، شخصیت‌ها و گروهک‌های ضددین و انقلاب دار فانی را وداع گفت، در سالگرد ارتحال استاد حسن شایانفر با قاسم تبریزی پژوهشگر تاریخ و از هم‌راهان آن مرحوم درباره ابعاد شخصیتی و فعالیت‌های ایشان از پیش از پیروزی انقلاب اسلامی تا دوره اخیر حیات آن مرحوم گفت‌وگوی مفصلی کرده‌ایم که به علت حجم زیاد مطالب، قسمتی از این گفت‌وگو در اختیار مخاطبان گرامی روزنامه قرار می‌گیرد.

سید روح‌الله امین آبادی



سطح دانشجویمان و نسل جوان و عامه جوان که عمدتاً به دنبال شناخت و آگاهی هستند و با روحیه آرمانگرایانه می‌خواهند اسلام و اهداف اسلام و استعمار و عوامل استعمار را بشناسند.

ما در جامعه با بخشی از نیروهای مواجه بودیم که فهم و درک صحیح از انقلاب اسلامی و مراکز فرهنگی جامعه را نداشتند و این‌ها ابزار توطئه‌های استعمار می‌شدند، در سال‌های ابتدایی پیروزی انقلاب اسلامی تا سال‌های ۶۲-۱۳۶۱ که فعالیت گروه‌های ضد انقلاب را داشتیم این‌ها از ناگاهی جامعه در پخش شایعات استفاده می‌کردند.

مرحوم شایانفر با شناختی که بر موارد چهارگانه فوق داشتند در حد توان خود مطالعات و پژوهش‌هایی که داشت همواره نگران و اندیشناک از روند جامعه و سستی و بی‌خبری برخی مسئولین بود، مطالبی که می‌گفت و منتشر می‌کرد هم خطاب آن به مسئولان و نخبگان بود که هم از نفوذی‌ها و از عناصر نادرست منافق دو چهره پرهیز کنند و هم بداندند دشمن مشغول چه کاری است از این رو همواره با قلم و در جلسات خصوصی با برادران وزارت ارشاد از آنها می‌خواست مراقب نفوذی‌ها باشند، از طرف دیگر ایشان ارتباطی با مراکز اسنادی جامعه داشت، اسناد وزارت امور خارجه، سازمان اسناد ملی، اسناد وزارت ارشاد، اسناد وزارت اطلاعات و مجلس شورای اسلامی که منتشر می‌شد دستمایه خوبی برای آقای شایانفر بود که استفاده کند ولی گاهی گم‌لغنه بود که چرا این اسناد در اختیار پژوهشگران و از جمله کیهان قرار نمی‌گیرد تا جامعه را نسبت به حرکت جریان‌ها ضد انقلاب آگاه کند، گاهی جامعه از عدم آگاهی نسبت به این اسناد نفلات می‌دهد، هر چند وزارت اطلاعات اسناد گروه‌ها و احزاب پیش از انقلاب را منتشر می‌کردند ولی دغدغه مرحوم شایانفر در مورد گروه‌ها و احزاب پس از انقلاب بود که ما حداقل اسناد گروه‌ها و احزاب بین سال ۵۸ تا ۶۵ و ۶۸ را منتشر کنیم تا بتوانیم کارهایی را انجام بدهیم، خوب این را به عنوان انتقاد در بیان ایشان بود. شنیده‌ایم که مرحوم حاج حسن شایانفر فعالیت‌های فرهنگی گسترده‌ای نیز در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی در زندان‌ها برای آگاهی بخشی به زندانیان فریب خورده داشته‌اند، در این رابطه اگر اطلاعاتی دارید مخاطبان محترم روزنامه را در جریان بگذارید؟

حجت‌الاسلام مجید انصاری طی جلساتی از آقای شریعتمداری دعوت کرد که برای بخش فرهنگی زندان‌ها برنامه‌ریزی کنند، آقای شریعتمداری ۰ پرویز جنتی، ابراهیم محمدرزاه، حسین داورزنی، احمدی از طلاب و فعالان قم و آقای شایانفر یک شورایی فرهنگی برای تحول در زندان ایجاد کردند، خصوصاً اینکه حضرت امام فرموده بودند زندان‌ها باید دانشگاه باشند، بسیاری از جوان‌ها فریب گروه‌ها و جریان‌های منافقین، چپ و چریک‌های فدایی خلق و یاناسیونالیست‌ها را خورده بودند، این شورا تشکیل شد و اولین برنامه را در زندان قرل حصار در سال ۱۳۶۱ شروع کرد، در آنجا مدیریت داخلی فرهنگی به عهده حاج حسن شایانفر قرار گرفت و ایشان برای زندان برنامه‌ریزی کردند، در اولین گام نمایشگاهی برای زندان کردند که در سال ۱۳۶۱، ۸۰۰ هزار گزاف کتاب فروش رفت، همه نوع کتابی در این نمایشگاه بود، سیاسی، ادبی، تاریخی و فلسفی، مرحله دوم برنامه پرسش و پاسخ گذاشتند بیشتر آقای شریعتمداری و جنتی به درون پندها می‌رفتند و جوان‌ها و بخصوص مارکسیست و وابستگان سابق به مناقضت‌های بی‌شمار می‌آموزان اسلام و انقلاب و جمهوری اسلامی می‌رسیدند و این‌ها جواب می‌دادند در هفته سه روز آقای شایانفر شنبه، دوشنبه و چهارشنبه از شش سیخ تا دوازده شب در زندان قرل حصار برای خدایها و آقایان برنامه‌ریزی کرده و حضور می‌یافت، این پرسش و پاسخ جوان‌زان را تصحیح کرد. حاج حسن در این مدت برای چندین نفلات، طنزخی، داستان نویسی برای زندانیان راه‌اندازی کرد، از حوزه هنری سازمان تبلیغات افرادی را دعوت کرد، مدیریت همه این‌ها به عهده آقای شایانفر بود، این کلاس‌ها هم بخشی از بچه‌های زندانی را جذب کرد، با آموزش و پرورش کرج مذاکره کرد، چون برخی از این بچه‌ها دبیرستانی بوده و دوره پایان دروسشان را پیش از زندان می‌گذرانده، گفتند بچه‌ها درسشان را بفرمایند، حمله بعدی سخنرانی هفتگی گذاشت، هر برنامه شد، تعدادی دانشجو بودند، ایشان قول داد کتاب‌های درسی را برای این‌ها تهیه کند و تهیه کرد، کلاس‌های اختصاصی تشکیل داد که آقای محمد زاده تقمیر نهنج‌البلاغه تدریس می‌کردند و کلاس‌های دیگر موردی که هر کدام ۲۰ لی ۵۰ نفر را در بر می‌گرفت، حمله بعدی سخنرانی هفتگی گذاشت، هر هفته یک شخصیت می‌آمد و سخنرانی می‌کرد مثلا آقای سرحدی زاده وزیر کار می‌آمد و سخنرانی می‌کرد، مهندس زالی وزیر کشاورزی و...می‌آمدند و سخنرانی می‌کردند تنوع سخنران‌ها تنوع عالی بود که هر کدام با توجه به تخصصشان می‌آمدند که برای بچه‌ها جذابیت داشت، مجله و روزنامه در اختیار مجموعه قرار می‌گرفت، مقالات زندانی‌ها را در اختیار اطلاعات، کیهان و...قرار می‌داد و حق تالیف می‌گرفتند، برخی از این زندانی‌ها مشکل خانوادگی داشتند یک مجموعه‌ای آنجا بود خانه‌های اختصاصی که به خانواده‌ها ملاقات می‌دادند، از طرف دیگر یک طرحی راه‌اندازی کرد، طرح رسیدگی به فرزندان زندانی‌ها، یک کتابفروشی تخصصی کرد که کتاب‌های کودکان و داستان‌های کودکان را از کانون پرورش فکری به این کتابفروشی منتقل می‌کرد تا زندانی‌ها از این کتاب‌ها تهیه و به کودکان خود هدیه بدهند و با اسباب بازی‌هایی که زندانی‌ها می‌خواستند به فرزندان خود هدیه بدهند متعددی را در نظر گرفته قرار می‌گرفت، حاج حسن برای این زندانی‌ها امکانات متعددی را در نظر گرفته بود. این مجموعه هر کدام یک بخشی از زندانی‌ها را از ضد انقلاب و گروهک‌ها جدا کرد. زندانی‌ها با واقعیت‌ها روبرو شدند، اطلاعات سپاه وارد کار شد و یک ارزیابی مجدد از زندانی‌ها صورت گرفت مشخص شد بخش عمده از گذشته خودشان از حزب توده تا گروهک‌های دیگر را نقد می‌کنند. این باعث آزادی بسیاری از زندانیان شد.

ممنون از وقتی که در اختیار ما قرار دادید